

تحلیلی از فضاهای شهری از تبریز ایلخانی تا اصفهان صفوی

(بررسی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی)*

مهندس منوچهر فروتن**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۵/۱۰

چکیده

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که چه تحولاتی در فضاهای شهری از دوره ایلخانی تا ظهور مکتب اصفهان در دوره صفوی صورت گرفت و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این تحولات چه بود؟ برای پاسخ به این سؤال با رویکردی تفسیری-تاریخی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، تحولات شهرسازی در شهرهای واجد آثار شهرسازی این دوره با تحلیل تأثیرات تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی گردید. این دگرگونی‌ها از زمان ایلخانان زمینه تحولات شهرسازی و شکل‌گیری فضاهای شهری جدید در شهرسازی ایران را فراهم نموده است. تأسیس حکومت صفویه و به‌ویژه اقدامات شاه عباس، زمینه‌ساز ایجاد مکتب شهرسازی اصفهان شد. به این ترتیب عناصر و فضاهای شهری که در دوره‌های پیشین شکل گرفته بود، تکامل یافتند و با هم ترکیب شدند. همچنین در مکتب اصفهان، ارسن‌های تجاری - خدماتی یا مذهبی تشیع رسمی به جای ارسن‌های مذهبی صوفیه، هسته‌های گسترش و توسعه شهری شدند.

واژه‌های کلیدی

فضاهای شهری ایران، زمینه‌های تاریخی شهرسازی ایران، مکتب شهرسازی اصفهان، شهرسازی دوره ایلخانی، شهرسازی دوره تیموری، شهرسازی دوره ترکمانان.

* در انجام این پژوهش از راهنمایی‌های آقای دکتر یعقوب آژند، در بخش زمینه‌های تاریخی و آقای دکتر غلامحسین معماریان، در بخش تاریخ معماری استفاده شد که در اینجا از آن‌ها قدردانی و تشکر می‌کنم.

** دانش آموخته دوره دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

ظهور مکتب اصفهان در شهرسازی به یکباره اتفاق نیفتاد و مانند سایر شیوه‌های شهرسازی یا معماری ایران در امتداد سنت شهرسازی گذشته ایران قرار داشت. در مورد شهرسازی مکتب اصفهان پژوهش‌های شایسته‌ای انجام شده است (برای نمونه حبیبی، ۱۳۷۴؛ حبیبی، ۱۳۷۵؛ اهری، ۱۳۸۰؛ اهری، ۱۳۸۵ و مقالات ارائه شده در همایش مکتب اصفهان). اما این پژوهش‌ها به زمینه‌ها، سوابق و تجارب شهرسازی قبل از مکتب اصفهان و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری این مکتب نپرداخته‌اند و این لزوم پژوهش‌های بیشتر در این مورد را آشکار می‌سازد. این پژوهش می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که چه عوامل و تحولاتی از دوره ایلخانیان تا پایتخت شدن اصفهان زمینه‌های شکل‌گیری فضاهای شهری در این مکتب را فراهم ساخت؟

برای پاسخ به این سؤال، تحولات فضاهای شهری در تعدادی از شهرهای ایران و رابطه آن‌ها با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. شهرهایی برای بررسی انتخاب شدند که واجد آثار شهرسازی دوره مورد نظر بوده و اسناد تحولات شهرسازی مربوطه در دسترس بود. این شهرها عبارتند از: تبریز، سمرقند، هرات، مشهد، نیشابور، یزد، کرمان، قزوین، اصفهان و شیراز. عوامل تحولات شهرسازی را می‌توان در دو حوزه مرتبط با هم مورد بررسی قرار داد؛ عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل بیرونی متوجه رابطه «بینا متنی» میان شهرسازی و سایر زمینه‌های خارج آن اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در عوامل درونی به عوامل و روابط «میان متنی» مانند پیشرفت‌های فنی و تفکرات شهرسازانه پرداخته می‌شود. رویکرد این پژوهش بیشتر متوجه عوامل بیرونی است.

روش پژوهش

روش پژوهش، تفسیری-تاریخی و بر اساس اطلاعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شد. در این پژوهش از اسناد و پژوهش‌ها عمومی منابع دست اول چون سفرنامه‌ها و گزارش‌های تاریخ‌نگاران این دوره و کتب تاریخی معاصر در رابطه با این دوره برای استخراج بسترهای این تحولات استفاده شد. در مورد بعضی از شهرها چندین پژوهش در مورد روند تحولات شهرسازی در آن‌ها انجام شده بود مانند تبریز و نیشابور و در مورد برخی از شهرها این کار محدود به یک پژوهش بود و در مواردی نیز اشارات پراکنده وجود داشت.

در نهایت وجوه مشترک در روند دگرگونی این شهرها دیده شد. سپس با مقایسه این اشتراکات و وضعیت شهرسازی در این دوره بعضی علل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر در این تحولات به دست آمد. این پژوهش نیز واجد محدودیت‌هایی به لحاظ نوع پژوهش‌های تاریخی بود؛ مانند کمبود اسناد و مدارک تصویری و ترسیم‌ی، و توصیفات دقیق معماری و شهری. به علاوه بسیاری از این پژوهش‌ها نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسی برای مشخص شدن و دقیق شدن مواردی است که بیشتر بر مبنای توصیفات تاریخ‌نگاران قرار داشت.

روند تحولات شهرسازی و فضاهای شهری

روند تحولات شهرسازی از حمله مغول‌ها تا ایجاد پایتخت در اصفهان در زمان صفویه در شهرهای مورد بررسی را می‌توان چنین خلاصه نمود:

- دوره‌های افول شهرسازی: در همه شهرهای مورد بررسی این دوره شاهد افول شهرسازی در دوره اولیه هستیم.
- رونق مجدد شهرنشینی در شهرهای مورد بررسی: طی دوره‌هایی آن هم در شهرهای متکی بر بازرگانی بین‌المللی مانند شهرهای تبریز و نیشابور، شاهد رونق مجدد شهرنشینی و شهرسازی هستیم.
- ایجاد اقامتگاه‌های موقت چادری در کنار شهرهای بزرگ: اغلب در کنار شهرهای پایتخت به‌ویژه توسط ایلخان و ایل‌های وابسته به آن‌ها در کنار شهر قدیم و در میان باغات و چمن‌زارهای اطراف شهر، اقامت‌گاه‌ها و اردوگاه‌های چادری ایجاد شد (کلودیخو، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۴۷؛ حبیبی، ۱۳۷۵: ۸۱).
- ایجاد شهرک‌های جدید در کنار شهر قدیم با دو هسته جدا: در مرحله بعد، برای گروه‌های وابسته به حکومت که ترکیبی از ایرانیان، ترکان و مغولان بودند، شهرک‌های جدیدی در میان باغ‌هایی که در تیول حکام و وابستگانشان بود ایجاد شد. این شهر واجد دو هسته جدا بود، یکی به مرکزیت مسجد جامع شهر یا یک ارسن مذهبی و دیگری به مرکزیت مقبره حاکم، مانند توسعه شهر تبریز طی دوران غازان خان (سعید نیا، ۱۳۸۱: ۳۷ و شکاری نیری، ۱۳۸۴ و خوانساری، ۱۳۸۳: ۸۳) و ترکمانان (سفرنامه ونیزیان، ۱۳۴۱: ۴۲۲)، ساخت شهر سلطانیه و نیشابور غازان‌خانی (عینی فر و میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۱: ۸۱ و جنیدی، ۱۳۶۶: ۳۶۹-۳۶۷)، توسعه کرمان در دوران ایلخانان (قراخانیان) (محمد مرادی، ۱۳۷۸: ۳۲۸)، سمرقند دوران تیموری (کلودیخو، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۲۲)، هرات دوران آل کرت و تیموری، (کوئثو، ۱۳۸۴: ۲۸۲ و ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۵۹ و ۹۱)، شیراز دوره آل مظفر (مستوفی باقی، ۱۳۸۵ به نقل از ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۱) اصفهان دوره تیموری (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۶۳ و ۹۱)، یزد دوران آل مظفر و تیموری (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۹۱) و قزوین دوره صفوی (خوانساری، ۱۳۸۳: ۷۷-۷۵).
- ایجاد هسته‌ای جدید خارج از شهر و اغلب در رباط‌ها، زاویه‌ها، مقابر بزرگان تصوف و امامزادگان شیعه: این هسته در تکامل خود تبدیل به مؤسسه مذهبی با بناهای مقبره، خانقاه، رباط یا زیارتگاه، مدرسه، نمازخانه (یا مسجد) و اغلب در میان باغات و زمین‌های کشاورزی وقفی آن بود. (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۷۳)، مقبره خواجه عبدالله انصاری در نزدیکی هرات، ارسن شاه نعمت الله ولی در ماهان و ارسن شیخ تقی الدین دارا در یزد (کاتب یزدی، ۱۳۵۷: ۳۹)، نمونه‌های چنین هسته‌هایی هستند.
- توسعه باغ‌سازی در اطراف شهر و ایجاد خیابان مشجر توسط حاکم و درباریان: باغ‌های اطراف شهر محل زندگی اشراف نظامی ایلات بود. در بعضی از شهرها مورد بررسی، هسته مذهبی خارج از شهر توسط مسیر درختکاری به شهر مرتبط می‌شد، مانند دو مسیری که در هرات بود و از دروازه ملک در کنار ارگ شروع و تا مجموعه باغ‌های صفه‌ای که معروف‌ترین این باغ‌ها باغ مختار بود، می‌رسید و نیز مسیری که از گازارگاه تا دروازه قبیچاق و دروازه خوش ادامه داشت (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۵۹)، مسیر درختکاری از باغ دلگشا تا دروازه فیروزی در سمرقند تیموری (کوئثو، ۱۳۸۴: ۲۸۰)، مسیر تنگه الله اکبر تا

داخل شهر در شیراز و خیابان بین باغ شاه یزد و سر پل چهار منار (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۵)، مسیر احتمالی درختکاری در کنار نهر مسیر موسوم به خیابان از باغ شمال تا ارسن جهانشاه در تبریز دوره ترکمانان (سلطان زاده، ۱۳۷۶) و مسیر نهری که از طوس به مشهد می‌آمد و بعدها به خیابان نادری شهرت یافت (کوتنو، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

- **توسعه ارسن‌های مذهبی در خارج شهر قدیم:** این توسعه با ساخت مدارس، خانقاه‌ها، مساجد، دارالسیاده‌ها، مقابر و گسترش شهر به سمت این هسته‌های جدید انجام شد. به علاوه از ساخت مقابر سلطنتی در کنار این ارسن‌ها یا به طور مجزا باید نام برد. با گسترش شهر در مواردی ارسن‌های مذهبی در داخل شهر قرار گرفتند، و یا در داخل شهر ایجاد شدند و محله‌های جدید را تشکیل دادند، یا هسته اصلی شهر را توسعه دادند، مانند محله ترک آباد در کرمان (محمد مرادی، ۱۳۷۸) و ارسن حرم امام رضا در مشهد. گاهی زیارتگاه‌ها هسته اولیه تشکیل شهر می‌شدند مانند مزار شریف در افغانستان که در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا ساخته شد (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۸۸). از نمونه‌های این ارسن‌ها در شهرهای مورد بررسی می‌توان از ارسن گازارگاه و گوهر شاد در هرات، ارسن غازانیه و ربع رشیدی تبریز، ارسن مقبره الجایتو در سلطانیه، ارسن مقبره گور امیر و شاه زنده و ارسن میدان ریگستان در سمرقند، ارسن‌های میر چخماق و مدرسه و خانقاه ابوالمعالی در یزد، ارسن حرم امام رضا (دوره تیموری) در مشهد، مسجد و مدرسه مظفریه و ارسن پا منار کرمان، خانقاه شیخ ابوعبدالله حقیف در زمان آل اینجو و مدرسه و خانقاه نصر آباد، بقعه شهشهان و ارسن شیخ ابومسعود، زیارتگاه‌های درب امام و درب کوشک در اصفهان و ارسن شاه چراغ شیراز در دوره آل اینجو را نام برد.

- **ایجاد میدان حکومتی (میدان مشق):** بین دو بخش قدیم و جدید شهر یا بین شهر و مجموعه باغات، میدانی با کارکرد نظامی و حکومتی ایجاد شد. به گفته ویلیبر و گلمبک (۱۳۷۴: ۲۰ و ۲۱) در عصر تیموری، نمونه‌های «مجموعه شهری» بر اساس یک میدان باز یافت می‌شد. این گونه از میدان‌ها مانند میدان ریگستان، میدان فرهنگی و تجاری بودند. اگر چه از میدان‌های حکومتی در این عصر اثری، به صورت کامل نمانده است، اما از میان اسناد نوشتاری تاریخی می‌توان میدان‌هایی را بازشناسی کرد مانند شکل‌گیری باغ میدان در یزد (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۵)، میدان صاحب آباد در تبریز (حناجی و نژاد ابراهیمی سردرود، ۱۳۸۵)، میدان میر چخماق یزد، میدان حسین، در کنار لشگرگاه و دارالعماره و اسپریس در نیشابور غازان خانی (نک. عینی فر و میرزا کوچک خوشنویس، ۱۳۸۱: ۸۳) و احتمالاً میدانی در محل میدان نقش جهان در دوره تیموری (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۶۳).

- **گسترش ساختار بازار:** تقریباً در تمامی شهرهای مورد بررسی توسعه بازار در این دوره را می‌توان دید، توسعه بازار در سمرقند زمان تیمور (کلویخو، ۱۳۸۴: ۲۷۶ و ۲۷۷) و بازار شیراز در زمان اتابک سعد (وصاف الحضرة، ۱۳۴۶) نمونه‌ای از این نوع گسترش‌هاست.

- **ساماندهی عناصر:** در شهرسازی مکتب اصفهان، همه عناصری که قبلاً جدا جدا شکل گرفته بودند مانند بازار، ارسن‌های مذهبی، مجموعه کاخ - باغ‌ها، میدان حکومتی، مسیر درختکاری شده (چهار باغ) در یک جا گرد آمدند و ساماندهی شدند. مجموعه گنجعلی خان کرمان (نک. باستانی پاریزی، ۱۳۶۲)، نقش جهان اصفهان، نقش جهان قزوین، مجموعه صفوی در شیراز (توسلی و

بنیادی، ۱۳۷۱: ۶۴-۷۲)، میدان شاه طهماسبی در یزد و توسعه ارسن حرم امام رضا در دوره صفوی (کوئینو، ۱۳۸۴: ۱۳۶)، نمونه‌های برجسته این ساماندهی شهری‌اند.

- **تغییر هسته‌های شهری:** با تشکیل حکومت صفوی، هسته‌های گسترش شهری از ارسن‌های مذهبی (زیارتگاهی و آموزشی) وابسته به تصوف، به میدان‌ها و عملکردهای تجاری و خدماتی تغییر یافت. نمونه‌های آن را در شهرهای اصفهان، قزوین و شیراز (دوره صفوی و زندیه) می‌توان فراوان یافت. همچنین شاهد رواج باغ - مزارها و مقابر کوشکی در شیوه معماری اصفهانی به جای ارسن‌های زیارتگاهی شیوه معماری آذری هستیم. از نمونه‌های باغ مزارها می‌توان قدمگاه نیشابور، خواجه ربیع مشهد و باغ مصلی یزد را نام برد. از نمونه‌های ارسن‌های مذهبی جدید می‌توان به مسجد - مدرسه سید اصفهان اشاره کرد.

- **مشارکت گروه‌های مردمی:** با ظهور صفویه، مشارکت گروه‌های مردمی مانند بازرگانان، علما و سایر گروه‌های مردم در ساخت بناهای عمومی بیشتر شد.

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران از حمله مغول تا انتقال پایتخت به اصفهان

از حمله مغول تا دوران شاه عباس صفوی وضعیت ایران به طور خلاصه واجد ویژگی‌های زیر است:

وضعیت سیاسی

این دوره همراه بود با دوره‌های متناوب ثبات نسبی و دیوان‌سالاری، و عدم تمرکز و ثبات. اگرچه اصلاحات و انتقال موقت نقش سیاسی برجسته در کشور از اشرافیت مغول - ترک به دیوان‌سالاری غیر نظامی ایران تا حدودی موجب بهبود نسبی اقتصادی می‌گردید، اما این اصلاحات موجب نارضایتی امراء نظامی که حکومت ایلخانان و تیموریان به آن وابسته بود می‌شد. این امر به علاوه عدم اتحاد سیاسی و مذهبی، و ضعف قدرت نظامی گرایش دوم باعث کوتاه بودن دوره‌های حکومتی متمرکز و ثبات سیاسی در ایران سده‌های میانه شد. ویژگی دیگر این دوره گرایش گروه‌های شیعی و تصوف به تشکیل حکومت بود (میر جعفری، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۶۸). وجود گروه‌های سازمان یافته تصوف مانند سرداران، حروفیان، مشعشعیان و صفویان که واجد تشکیلات اعتقادی و نظامی بودند و در امور سیاسی دخالت می‌کردند تأییدی بر این امر است. از این گروه‌ها سرداران و صفویان موفق به تشکیل حکومت شدند.

وضعیت فرهنگی

با برچیده شدن خلافت عباسیان که از تسنن حمایت می‌کردند، زمینه برای رشد مباحث و گفتگوی دینی و فلسفی در میان اهل تسنن و تشیع ایجاد شد (باسنی، ۱۳۸۵: ۵۱۲). از سوی دیگر به دلایل مختلف، تصوف اسلامی و طریقت‌های وابسته بدان که دارای سابقه در تفکرات اسلامی لااقل از قرون چهارم و پنجم هجری بودند، توسعه یافتند و به سازماندهی و نفوذ در گروه‌های مختلف مردم پرداختند و بیش از هر دوره به مباحث نظری نیز پرداختند (رویمر، ۱۳۷۹: ۱۴۴؛ میر جعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۹-۱۶۴؛ ویلیبر و گلمبک،

۱۳۷۴: ۹۷-۹۵). پدیده دیگر این دوره گذار از تسنن به‌ویژه تسنن شافعی به تشیع در فرقه‌های تصوف بود (باسانی، ۱۳۸۵: ۵۱۸؛ ویلیبر و کلمبک، ۱۳۷۴: ۹۷) یکی از دلایل آن رویکرد مسامحه تصوف در مورد فرقی مختلف اسلامی و امکان رشد تشیع در این دوره بود. نمونه شاخص این تحول را در نهضت صفویان می‌توان دید.

وضعیت اقتصادی

حمله‌های گسترده و ویرانگر مغولان، تیمور و جنگ‌های محلی امراء افول شدید اقتصادی را موجب شد که گزارش‌ها همگی حکایت از آن دارند (برای نمونه حمد/الله مستوفی، ۱۳۶۲ و میر جعفری، ۱۳۸۵: ۲۲۱ و ۲۲۲). با این حال قلمرو وسیع مغولان و تیموریان از سویی و رابطه آنان با اروپائیان و حمایت اکثر امراء و اشراف نظامی از تجارت که با روحیه کوچ‌نشینی آنان همخوان بود باعث رشد تجارت بین‌المللی شد. البته این رشد بیشتر شامل شهرهای نسبتاً بزرگی بود که بارکده، انبار کالا و بازار کالاهای گوناگون بودند و بر سر راه کاروانی و آبراه‌های بین‌المللی قرار داشتند و در بسیاری اوقات مراکز تولید کالاهای صنعتی نیز بودند، نظیر تبریز، مراغه، همدان، قزوین، اصفهان، شیراز و نیشابور. اما شهرهای کوچک با اقتصاد وابسته به کشاورزی در وضعیت خوبی نبودند (پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۸۰-۴۷۹ و ۱۶۱ و ۱۶۲؛ میر جعفری، ۱۳۸۵: ۲۲۱؛ سمرقندی، ۱۳۵۳: ج ۲: ۸۳۸). در دوره‌های ثبات سیاسی در بخش‌های مرکزی و غربی ایران در زمان ایلخانان، و خراسان و فرا رودان، در زمان تیموریان، اصلاحات مالیاتی و احیای نسبی کشاورزی صورت گرفت. (پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۶۸؛ زمجی اسفزاری، ۱۳۳۹: ج ۲: ۲۷۴ و ۳۷۵ و میر جعفری، ۱۳۸۵: ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۲۳ و ۲۲۴) اما این دوره‌ها به نسبت کوتاه بودند.

نتیجه سیاست‌های مالیاتی و شیوه زمینداری متکی بر تیول و اقطاع، باعث رشد مالکیت خصوصی اعم از اقطاع و ملک، به بهای از دست رفتن مالکیت دولتی بود (پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۹۴). در عوض به علل مذهبی، امتیازات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند معافیت اقتصادی، املاک وقفی دوره ایلخانان مسلمان و به‌ویژه دوران تیموریان و ترکمانان توسعه یافت (ویلیبر و کلمبک، ۱۳۷۴: ۹۴؛ پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۹۰) و نهادهای خیریه‌ای به نام دار السیاده ایجاد شد.

وضعیت اجتماعی

گرایش اشراف نظامی برای شراکت در امور بازرگانی که واجد منافع فراوان بود و نیز شیوه زمینداری و خدمات دولتی به صورت تیول، باعث پیوند تنگاتنگ اشراف ایلات، زمینداران و بازرگانان شد (پطروشفسکی، ۱۳۷۵: ۴۸۳). این گروه از زمینداران از گروه‌های شهرنشین دیگر جدا بودند. طبقات اجتماعی طی این دوره، شبیه به دوره‌های قبل به خصوص دوره سلجوقیان بود، جز این‌که در این دوره قدرت اشراف نظامی ایلات بیشتر بود و جدایی بیشتری بین گروه حاکم کوچ‌نشین و مردم، به دلیل اختلافات زیاد مذهبی و فرهنگی وجود داشت. با نزدیک‌تر شدن به زمان صفویان به دلیل آمیختگی بیشتر این گروه‌ها با مردم و گرویدن آنان به اسلام این جدایی کمتر می‌شود.

محلات طی این دوره نیز مانند دوره‌های پیشین بر تمایزات اجتماعی، شغلی، قومی و یا مذهبی متکی بودند. در این دوره محلات بیشتر واجد خودگردانی نسبی شدند (پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۸۳). نقش محلات و رهبری آنان در قیام‌های مختلف این دوره ملاحظه می‌گردد. برای نمونه در نهضت سرداران این امر همراه با نفوذ تصوف و گروه‌های اخوت، و ارتباط تنگاتنگ بین اصناف، درویش صوفی، عیاران، کشاورزان و کلاً عناصر تهیدست جامعه، شهر و روستا را در مقابل کوچ‌نشینان حاکم قرار داده بود (حمد الله مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۱؛ ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۶۵-۶۶ و ۲۶۰-۲۶۱؛ پطروشفسکی، ۱۳۸۵: ۴۸۵). نفوذ تصوف و توسعه آن و نیز امتزاج شریعت و طریقت باعث قرار گرفتن مشایخ بزرگ و اصحاب خانقاه‌ها در شمار متصدیان امور شرع شد (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۷۷). این امر خود باعث توجه حکام به این گروه شد.

پدیده دیگری که طی این دوره به لحاظ اجتماعی می‌توان دید، اهمیت و مقام زنان درباری مغول و تیموری نسبت به ادوار گذشته است (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۲۰۹؛ ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۲۲۲). هرچند این امر به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی مشترک ترکان و مغولان تا حدودی از دوره حاکمیت ترکان غزنوی نیز دیده می‌شود.

تحولات اجتماعی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی دوران صفوی از انتقال پایتخت به اصفهان

در اوایل سدهٔ دهم، صفویان به حکومت رسیدند و به تدریج تحولاتی را باعث شدند که در زمان شاه عباس اول به اوج خود رسید. به گفتهٔ سیوری (۱۳۸۰) تحول و توسعهٔ نهادهای تشکیلاتی صفوی دارای سه مقطع عمده بود:

- دورهٔ اول، بین جلوس شاه اسماعیل و شاه عباس اول (۹۹۶-۹۰۷ هـ. ق/ ۱۵۰۱-۱۵۰۱ م): دورهٔ تحول و سازگاری که طی آن دوره، وظایف اصلی مأموران دولت کاملاً مشخص نبود و قدرت مأموران با یکدیگر تالاقی داشت؛

- دورهٔ دوم، سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ هـ. ق/ ۱۶۲۹-۱۵۸۸ م): بازسازی تشکیلات دولت صفوی بر پایهٔ ارکان جدید؛

- دورهٔ سوم، از جلوس شاه صفی تا سقوط سلسلهٔ صفوی (۱۱۳۵-۱۰۳۸ هـ. ق/ ۱۷۲۲-۱۶۲۹ م): عدم تحرک و زوال تدریجی سازمانها؛ در اینجا ملاک تحولات از دورهٔ دوم حکومت صفویان به بعد در نظر گرفته شده است. می‌توان این تحولات را این‌گونه خلاصه کرد:

تحولات سیاسی

- شکل‌گیری دولت دیوان‌سالار مرکزی و نهادینه شدن دولت؛

- ورود اقلیت‌های ارمنی و گرجی در جریان بازسازی تشکیلاتی و عرصه‌های تجارت و نظامی‌گری؛

- کاهش نفوذ ارکان نهضت صفوی: به لحاظ نظامی قبایل ترکمان قزلباش و به لحاظ عقیدتی تصوف انقلابی صفویه (نویسی و

غفاری فرد، ۱۳۸۶: ۲۸۶؛ سیوری، ۱۳۸۰: ۱۶۲)؛

- نفوذ علمای متکلم شیعی به جای صوفیان صفوی در امور سیاسی؛

- تشکیل نیروی نظامی مستقل و تحت نظر دولت: این امر با سیاست ارضی جدید هم همراه بود و به جای اقطاع دادن زمین‌ها به خان‌های نظامی، زمین‌ها به مأمورین حکومتی تیول داده می‌شد (لمبتیون، ۱۳۷۷)؛

- گسترش رابطهٔ سیاسی با کشورهای اروپایی؛

تحولات مذهبی و فرهنگی

- افول تصوف و رواج تشیع رسمی (امورتنی، ۱۳۸۰)؛
- انحراف طریقت‌های صوفیانه و دنیوی شدن طریقت‌ها؛ (نصر، ۱۳۸۰: ۳۴۳ و ۳۴۴)
- مقام و منزلت اعتقادی فراوان آرامگاه‌های امامان شیعی و امامزاده‌ها؛
- افول حکمت و فلسفه مکتب اصفهان و رواج اخباری‌گری از دوره سوم حکومت صفویان؛ (نصر، ۱۳۸۰: ۳۴۵-۳۳۵)

تحولات اقتصادی

- تغییر سیاست‌های ارضی و رشد مالکیت‌های دولتی و خاصه (لمبتیون، ۱۳۷۷: ۹-۱۰۷)؛
- دخالت مستقیم دولت در همه عوامل و عناصر تولیدات کشاورزی، صنعتی و بازرگانی و انحصاری کردن بخش‌های مهم آن (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲ الف: ۷۷)؛
- رشد تولید کشاورزی؛
- رشد بازرگانی محلی و بین‌المللی و راه‌اندازی و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیر ساختی مانند شبکه راه‌های بازرگانی؛
- رشد بازرگانی دریایی با کشورهای اروپایی و آسیایی؛ (باستانی پاریزی، الف ۱۳۶۲: ۱۱۵ و سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۶-۱۷۳)؛
- ورود اقلیت‌های قومی و مذهبی در فعالیت‌های مهم اقتصادی (فریر، ۱۳۸۰: ۲۴۷)؛

تحلیل عوامل مؤثر زمینه‌ای در تحولات شهرسازی این دوره

به واسطه حمله گسترده و فاجعه بار مغولان و در دوره‌های بعد، تیموریان و گسیختگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، یکجا نشینی به شدت دچار افول شد. اما با گذشت زمان در شهرهای متکی بر بازرگانی بین‌المللی مانند شهر تبریز و نیشابور به دلیل وسعت مناطق تحت سیطره مغولان که از کره در شرق تا شمال دریای سیاه و حلب در غرب، را شامل می‌شد و رشد بازرگانی در راه ابریشم و راه‌های دیگر را باعث شده بود، رونق مجدد شهرسازی را در این دسته از شهرها شاهدیم. ساخت بازارهای شهری توسط حاکمان به دلیل دخالت روز افزون حاکمیت در امور بازرگانی و منافع فراوانی بود که از این راه به دست می‌آمد. اشراف نظامی در شراکت با بازرگانان به ثروت‌های هنگفتی می‌رسیدند. به‌ویژه از دوران تیموریان به بعد است که دخالت مستقیم بعضی از این حکام در امور بازرگانی صورت می‌پذیرد. تقریباً در تمامی شهرهای مورد بررسی توسعه بازار طی این دوره اتفاق می‌افتد. دستور ساخت بازار در مدتی کوتاه در سمرقند به فرمان تیمور نمونه‌ای از این اقدامات است (کلایوینو، ۱۳۸۴: ۲۷۶ و ۲۷۷).

کنار شهرهای پایتخت به‌ویژه توسط ایلخان و ایل‌های وابسته به آن‌ها، اقامتگاه‌های موقت و اردوگاه‌های چادری در میان باغات و چمن‌زارهای اطراف شهر ایجاد شد. این اقامتگاه‌ها به دلیل اختلافات شدید فرهنگی، مذهبی و عدم علاقه حاکمیت برای ادغام مهاجمان مغول و مردم تحت سلطه آنان و تغییر شیوه زندگی چادرنشینی، در ابتدا در تقابل با شهر قدیم بودند. یاسای چنگیزخان، مغولان را ملزم می‌کرد که زندگی صحراگردی پیشه کنند، نه در جایی ثابت بمانند نه در شهرها سکونت گزینند (بارتولد، ۱۳۵۲، ج: ۲، ۹۵۶).

حاکم و ایل‌های وابسته و حامی وی در دوره ایلخانان و تیموریان بیشتر اوقات در «مجموعه باغ‌ها» اطراف شهرها

زندگی می‌کردند، چرا که به شیوه چادرنشینی آنان نزدیک‌تر بود (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۲۲). نگاره‌های به جای مانده از این دوره حاکی از آن است که حتی در کاخ‌ها نیز ایلخانان مغول و تیموری زندگی در چادرهای بر افراشته در باغ یا حیاط را ترجیح می‌دادند. هرچه به زمان صفویه نزدیک‌تر می‌شویم این امر کم‌رنگ‌تر می‌شود.

زندگی بین اشراف زمیندار ایرانی با گروه حاکم و نفوذ آن‌ها در دربار ایلخانان به‌ویژه از زمان اصلاحات غازانی و تمرکز نسبی قدرت با حمایت اشراف ایرانی از سویی و جدایی حکومت و مردم، زمینه را فراهم ساخت تا برای گروه‌های وابسته به حکومت که ترکیبی از ایرانیان، ترکان و مغولان بودند، شهرک‌های جدیدی در میان باغ‌هایی که در تیول حکام و وابستگانشان بود، ایجاد شود. بنابراین شهر واجد دو هسته جدا؛ یکی به مرکزیت مسجد جامع شهر یا یک ارسن مذهبی و دیگری به مرکزیت مقبره حاکم بود. این امر همچنین باعث ایجاد همزیستی زندگی شهری، روستایی و کوچ‌روی به‌ویژه در فرا رود (ماوراء النهر) و خراسان دوره تیموری شد. استقرار اشرافیت نظامی ایلی در شهر که جدا از گروه‌های مردم بود، وابستگی حکومت‌ها به آن‌ها و نفوذ و قدرت این اشراف بخصوص در دوره‌های ضعف قدرت مرکزی، زمینه پیدایش میدان‌های مشق نظامی را ایجاد کرد. این میدان‌ها محل فعالیت نظامی، بازی و ورزش (سوارکاری، تیر اندازی، کشتی و چوگان) نیز بود.

چنانچه گفتیم یکی از ویژگی‌های دوره اول، گسترش و نفوذ تصوف بود. این گروه‌ها در بسیاری از موارد تبدیل به هسته‌های مقاومت اجتماعی و مذهبی شدند مانند جنبش سرداران. از آن جا که تصوف همیشه نمی‌توانست در مساجد که تحت نظارت حاکمیت بود (به ویژه بعد از غازان خان)، فعالیت کند در خارج از شهرها مستقر شدند (برای نمونه ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۳۴). اگر چه این هسته خارج از شهر بود، ارتباط تنگاتنگی با اصناف شهرنشین و گروه‌های فتوت و روستاییان داشت. این هسته در تکامل خود تبدیل به مؤسسه مذهبی با بناهای مقبره، خانقاه، رباط یا زیارتگاه، مدرسه، نمازخانه (یا مسجد) شد که اغلب در میان باغات و زمین‌های کشاورزی وقفی آن واقع بود (ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۴۷۲). سپس گسترش شهر به سمت این هسته‌ها کشیده شد، مانند ارسن گازارگاه در هرات، یا خود هسته تشکیل شهرهای جدید شد.

هر چند ایلخانان مسلمان، تیموریان و ترکمانان به لحاظ شیوه‌های کشورگشایی و سازمان حکومت پیرو شیوه ایلخانان بودند، تغییر سیاست آنان در مقایسه با ایلخانان اولیه در اظهار به مسلمانی و احترام زیاد به علما و شیوخ صوفیه از سویی و نزدیکی طریقت و شریعت و تصدی شیوخ صوفیه در امور شریعت، از سوی دیگر از عوامل توسعه مدارس و خانقاه‌ها و ارسن‌های مذهبی صوفیه بود، مثلاً مسجد و خانقاه امیر خضر شاه در یزد با تفکر صوفیانه ساخته شد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۹۷). بناهایی که روی قبرها و یا پیرامون آن‌ها برپا شد، تقریباً ۵۰ درصد همه آثار پابرجا دوره تیموری را تشکیل می‌دهد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۸۶). اهمیت نسبی نقش زنان دربار باعث شد تعداد قابل توجهی از این ارسن‌ها، آرامگاه زنان باشد، و یا زنان بانی ارسن‌های مذهبی باشند مانند عشرت خانه در سمرقند و ارسن گوهر شاد در مشهد و هرات.

تمرکز قدرت حاکمیت و دیوان‌سالاری و تشکیل دولت در زمان شاه عباس که با در اختیار گرفتن همه عناصر تولید و بازرگانی در اکثر نقاط کشور و تمرکز قدرت سیاسی، مذهبی و نظامی در شخص شاه که هم به عنوان رهبر سیاسی و هم رهبر مذهبی بود

(با لقب مرشد اکمل) باعث شد شاه عباس بتواند همه عناصر را کنار هم جمع کند. بنابراین، در شهرسازی مکتب اصفهان، همه نهادها و مراکز فعالیتشان که قبلاً جدا جدا شکل گرفته بودند یک جا گرد آمده و ساماندهی شدند: بازار، نهاد بازرگانی؛ مدرسه، خانقاه و مسجد نهاد مذهبی؛ کاخ و مجموعه باغ‌ها و مسیرهای درختکاری شده (مثل چهار باغ)، نهاد سلطنت؛ میدان نظامی، نهاد اشرافیت نظامی؛ در کنار محله‌های مسکونی که نشان همزیستی تنگاتنگ زندگی شهری، روستایی و کوچ‌نشین بود.

قطع نفوذ تصوف در حکومت از زمان شاه عباس و کم شدن نفوذ آنان در میان مردم و نفوذ علمای اخباری از یک سو و رواج روحیه فردگرایی و دنیاگرایی در طریقت‌های صوفیه از سوی دیگر سبب کاهش نفوذ این گروه‌ها شد و به جای ارسن‌های مذهبی (زیارتگاهی و آموزشی) وابسته به تصوف، میدان‌ها و عملکردهای تجاری یا ارسن‌های مذهبی تشیع (مانند ارسن حرم حضرت معصومه در قم یا مسجد-مدرسه سید اصفهان) هسته‌های جدید گسترش شهری شدند.

به گفته ویلبر و گلمبک (۱۳۶۴: ۱۹) بانیان بناهای و مجموعه‌های شهری در دوره ایلخانان، تیموریان، ترکمانان و اوایل صفویه چهار گروه عمده بودند: شاه (ایلخان) و خانواده سلطنتی؛ اشراف نظامی و لشگری قبایل، و اشراف زمیندار که حکام محلی و معمولاً از این گروه‌ها بودند؛ دیوانیان؛ علما و شیوخ صوفیه. این چهار گروه، منطبق با چهار گروه زمیندارند که پطروشفسکی از آن نام می‌برد. این چهار گروه عبارت بودند از: «۱) اشرافیت نظامی قبایل صحراگرد (شاه و خانواده سلطنتی از این گروه بودند)؛ ۲) اشرافیت ولایتی محلی و یکجانشین که از طریق خدمت با حکومت مرکزی ارتباط و پیوستگی داشتند؛ ۳) خادمان کشوری (دیوانیان)؛ ۴) طبقه منفصل روحانیان مسلمان و نیز بعضی شیوخ صوفیه. این گروه‌های زمیندار که بر سر به دست گرفتن اداره کشور با یکدیگر مبارزه می‌کردند. نماینده دو جریان سیاسی نظیر و برابر در اجتماع ایران بودند؛ (پطروشفسکی، ۱۳۷۵: ۴۸۷). از گروه اول در دوره مغول و تیموری بسیاری از زنان، درباری بودند مانند گوهر شاد (مشهد و هرات)، ملک خاتون (یزد). از امیران نظامی امیر جلال الدین فیروز شاه (هرات) و امیر چخماق (یزد)، از دیوانیان خواجه رشید الدین (تبریز)، خواجه رکن الدین (یزد)، امیر علی شیر نوایی (هرات و مشهد) و پیر احمد خوافی (خرگرد و تایباد)، ابوالمعالی (یزد)، از علما و شیوخ صوفیه، تقی الدین دادا (یزد) و خواجه احرار سمرقندی (سمرقند) را می‌توان نام برد. بانی مساجد جامع، مدارس مهم، مقابر سلطنتی و بازارهای پایتخت و یا شهرهای بزرگ را گروه اول، و بانیان مدارس و ارسن‌های مذهبی و خدماتی را گروه‌های بعدی تشکیل می‌دادند.

ارسن‌های خدماتی را در شهرها معمولاً دو گروه دیوانیان و حکام محلی حمایت می‌کردند. این ارسن‌ها اغلب در باغ‌های تیولی اطراف شهرها که متعلق به حاکم، دیوانیان منتفذ یا علمای و شیوخ منتفذ بود، ساخته می‌شد. بسیاری از اهل تصوف از محل درآمدهای وقف و نزورات مردم روزگار می‌گذراندند و بعضی از آن‌ها بانی و نگهدارنده ارسن‌های خدماتی و مذهبی بودند. از این طریق آن‌ها واجد قدرت مالی نیز شدند. ثبات نسبی سیاسی در دوران صفوی باعث رشد اقتصادی و به نوبه خود باعث رشد شهرنشینی و مشارکت گروه‌های تجار و علما و دیگر گروه‌ها در ساخت بناهای عمومی شد.

نتیجه‌گیری

مباحث به‌دست آمده از این پژوهش را می‌توان به‌شرح زیر بیان نمود:

با حمله مغول زوال و افول شدید شهرسازی را تا مدت‌ها شاهدیم. با اصلاحات دوره غازان خان و رشد نسبی کشاورزی و بازرگانی بین‌المللی، شهرهای بازرگانی رشد و توسعه یافتند. اقامتگاه‌ها و اردوگاه‌های اولیه ایلخانان که در کنار شهرهای پایتخت یا شهرهای پر رونق بر پا شده بود، تبدیل به شهرک‌های جدید در کنار شهر قدیم شد.

این شهرک‌های جدید به صورت از پیش طراحی شده، با هسته مذهبی به مرکزیت مقبره ایلخان بود. هم‌زمان با نفوذ و رواج تصوف میان مردم، اهل تصوف به ایجاد خانقاه یا زوایه‌ای خارج از شهر در میان باغ‌ها، رباط‌ها یا مقابر صوفیان قدیم و بزرگان دینی پرداختند که تبدیل به هسته‌های مقاومت اجتماعی و مذهبی و مؤسسات خیریه شد. با قدرت گرفتن آن‌ها و حمایت مردم و حتی بعضی از حاکمان که در پی کسب اعتبار میان مردم بودند، این هسته‌ها با مرکزیت مقبره صوفی که معمولاً در خانقاه خود دفن شده بود، گسترش یافتند و تبدیل به ارسن‌های مذهبی شدند. از سوی دیگر حاکمان به ایجاد مقابر خاندان‌های سلطنتی و اشرافی پرداختند و در کنار آن‌ها به تدریج مؤسسات خیریه و مذهبی شکل گرفتند و تبدیل به ارسن‌های مذهبی شدند. در مواردی نیز این مقابر در کنار مقابر بزرگان دینی یا شیوخ تصوف بر پا می‌شد. در مواردی که این ارسن‌ها نزدیک شهر بودند، گسترش شهر به سمت این ارسن‌های مذهبی بود و بعضی از آن‌ها در داخل گسترش جدید شهر قرار گرفتند و تبدیل به هسته‌های شهری شدند. اشرافیت نظامی که طبقه حاکم از آن‌ها بود و اغلب سران قبایل کوچ‌رو بودند در کنار شهر یا شهرک‌های جدید به ساخت میدان‌های مشق نظامی پرداختند. این میدان‌ها در کنار باغ‌های اطراف شهر که محل اسکان موقت یا دایم اشراف نظامی بود بر پا گردید و محل تمرین‌های نظامی، ورزش و تفریح و بعضی اجتماعات گردید. در این دوره سه شیوه زندگی شهری، روستایی و کوچ‌روی در کنار هم و آمیخته با هم بود.

تحولات سیاسی، اجتماعی که به تدریج در ایران بعد از حمله مغول انجام گرفت، موجب دگرگونی‌هایی پیوسته در معماری و شهرسازی ایران شد. در این تحولات اقداماتی که از زمان شاه طهماسب شروع شده بود و در زمان حکومت شاه عباس به اوج رسید را باید نقطه عطفی به شمار آورد که زمینه ایجاد مکتب شهرسازی اصفهان شد. مهمترین شاخصه آن تمرکز قدرت در شخص شاه، دیوان‌سالاری و دخالت حکومت در اغلب فعالیت‌ها بود. این تمرکز و ثبات نسبی سیاسی و اقتصادی در دراز مدت امکان ایجاد فعالیت‌های بزرگ عمرانی و شهرسازی را فراهم ساخت. بسیاری از عناصر شهرسازی مکتب اصفهان مانند میدان حکومتی، خیابان مشجر، مجموعه باغ-کاخ، ارسن مذهبی صوفیه، شهرک جدید در کنار شهر قدیم، قبل از مکتب اصفهان شکل گرفت و سپس با تحول زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مذکور در حکومت شاه عباس، ترکیب آن‌ها در مکتب اصفهان ممکن شد.

فهرست مراجع

- ۱- ابن بطوطه، (۱۳۶۱)، "سفرنامه ابن بطوطه (رحله)"، چاپ سوم ترجمه: محمد علی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- امورتی، ب. س، (۱۳۸۰)، مذهب در دوران صفوی، در "تاریخ ایران (دوره صفویان)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، صص ۳۱۱-۳۲۶.
- ۳- اهری، زهرا، (۱۳۸۰)، "مکتب اصفهان در شهرسازی (زبان‌شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری)"، مشاور: محسن حبیبی، تهران: دانشگاه هنر، معاونت پژوهشی.
- ۴- اهری، زهرا، (۱۳۸۵)، "مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری"، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۵- بارتولد، و. (۱۳۵۲)، "ترکستان نامه"، (۲جلدی)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگی ایران
- ۶- باسانی، آ. (۱۳۸۵)، دین در عهد مغول، "در تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد پنجم، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۵۰۹-۵۲۰.
- ۷- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲ الف)، "سیاست و اقتصاد عصر صفوی"، چاپ سوم، تهران: صفی علیشاه
- ۸- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲ ب)، "کنجعلی خان"، تهران: اساطیر
- ۹- بطروشفسکی، آ. ب. (۱۳۸۵)، اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، "در تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد پنجم، چاپ ششم، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۴۵۵-۵۰۸.
- ۱۰- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر، (۱۳۷۱)، "طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری"، جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۱۱- جعفری، جعفر بن محمد، (۱۳۴۳)، "تاریخ یزد"، تصحیح ایرج افشار، تهران، بی جا
- ۱۲- جنیدی، فریدون، (۱۳۶۶)، نیشابور، "در شهرهای ایران"، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص ۳۶۲-۳۸۲
- ۱۳- حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۴)، مکتب اصفهان، اعتلاء و ارتقاء مفهوم دولت، "در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی"، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- ۱۴- حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۵)، "از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر)"، تهران: دانشگاه تهران
- ۱۵- حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی سردرود، احد، (۱۳۸۵)، بازخوانی میدان صاحب آباد از روی تصاویر شاردن و مطراقچی، "هنرهای زیبا"، شماره ۲۵، بهار ۸۵ صص ۳۵-۴۴
- ۱۶- خوانساری، مهدی و دیگران، (۱۳۸۳)، "باغ ایرانی، بازتابی از بهشت"، ترجمه مهندسین مشاور آران، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، دبیرخانه همایش بین المللی باغ ایرانی.
- ۱۷- رشید الدین فضل الله همدانی، (۱۳۵۶)، "وقف‌نامه ربع رشیدی"، به تصحیح مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی
- ۱۸- رشید الدین فضل الله همدانی، (۱۳۷۲)، "جامع التواریخ"، (دو جلدی)، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز
- ۱۹- رویمر، ه. ر. (۱۳۸۰)، «بر آمدن صفویان»، "تاریخ ایران (دوره صفویه)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، صص ۷-۱۴۲
- ۲۰- زمجی اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۹)، "روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات"، با تصحیح، حواشی و تعلیقات سید کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
- ۲۱- ستوده، حسینعلی، (۱۳۸۵)، "تاریخ آل مظفر"، (۲ جلدی)، چاپ اول ۱۳۴۶، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
- ۲۲- سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۶)، "تبریز، خشتی استوار در معماری ایران"، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۲۳- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۵۳)، "مطلع سعدین و مجمع بحرین"، (دو جلدی)، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه طهوری
- ۲۴- سیوری، ر. م.، (۱۳۶۶)، "ایران عصر صفوی"، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ دوم، تهران: سحر
- ۲۵- سیوری، ر. م.، (۱۳۸۰)، نظام تشکیلاتی صفویان، "تاریخ ایران (دوره صفویه)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، صص ۱۶۱-۱۷۹
- ۲۶- شکاری نیری، جواد، (۱۳۸۴)، "یافته‌هایی از طرح شنب غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی به نام باب البر"، هنرهای زیبا، شماره ۲۴، تهران: زمستان ۱۳۸۴، صص ۷۳-۸۰
- ۲۷- عینی فر، علیرضا و میرزا کوچک خوشنویس، احمد، (۱۳۸۱)، باز آفرینی تصویری شهر از متون تاریخی نیشابور غازانخانی، "هنرهای زیبا"، شماره ۱۱، تابستان ۸۱ صص ۷۷-۸۸
- ۲۸- فریر، راندل، (۱۳۸۰)، تجارت در دوره صفویان، "تاریخ ایران (دوره صفویه)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، صص ۲۱۹-۲۷۴.
- ۲۹- کاتب یزدی، احمد بن حسین، (۱۳۵۷)، "تاریخ جدید یزد"، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیر کبیر
- ۳۰- کلاویخو، روی گونسالس د، (۱۳۸۴)، "سفرنامه کلاویخو"، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ پنجم (چاپ نخست ۱۳۷۷)، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۱- کونتو، پائولو، (۱۳۸۴)، "تاریخ شهرسازی جهان اسلام"، ترجمه سعید تیز قلم نوزی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری
- ۳۲- لمبتیون، ان. ک. اس، (۱۳۷۷)، "مالک و زارع در ایران"، (چاپ چهارم)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۳- محمد مرادی، اصغر، (۱۳۷۸)، کنکاشی پیرامون شهر قدیم کرمان با استناد به شواهد مکتوب و آثار معماری و شهرسازی، "مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران"، (ج ۴)، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- ۳۴- مستوفی باقی، محمد مفید بن محمود، (۱۳۸۵)، "جامع مفیدی"، (جلد اول و دوم)، به اهتمام ایرج افشار، تهران: اساطیر
- ۳۵- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، "نزهة القلوب"، به اهتمام و تصحیح گای لیستر، تهران: دنیای کتاب
- ۳۶- میر جعفری، حسین، (۱۳۸۵)، "تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان"، ویرایش دوم، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، اصفهان: دانشگاه اصفهان
- ۳۷- نوایی، عبدالحسین و غفاری فرد، عباسقلی، (۱۳۸۶)، "تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفوی"، چاپ سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- ۳۸- هیلنبراند، رابرت، (۱۳۸۰)، معماری ایران در دوره صفویان، "تاریخ ایران (دوره صفویه)"، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی، صص ۴۰۳-۴۹۴
- ۳۹- وصال الحضرة، (۱۳۴۶)، "تحریر تاریخ وصال"، به تصحیح عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
- ۴۰- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا، (۱۳۷۴)، "معماری تیموری در ایران و توران"، ترجمه کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور